

## Unit 18 book 5

### خشونت آمیز

اگر کسی تهاجمی باشد، آنها دائما می خواهند مبارزه کنند.  
هیچ کس دوست نداشت با او بازی کند، زیرا او همیشه بیش از حد تهاجمی بود.

### عفو عمومی

عفو عمومی عفو به زندانیان جنگ است.  
او به دلیل دخالتش در جنگ از عفو محروم شد.

### عرصه

یک عرصه یک ساختمان است که مردم می توانند ورزش و کنسرت ها را تماشا کنند.  
عرصه جدید همه تنظیم شده بود تا مسابقات قهرمانی را برگزار کند.

### سالن

یک سالن یک ساختمان بزرگ است که برای رویدادهای عمومی استفاده می شود.  
مردم در سالن مدرسه جمع شده اند تا بازی را تماشا کنند.

### اسیر

یک اسیر یک زندانی است.  
نگهبانان به اسیر گفتند که هیچ راهی برای فرار از زندان وجود ندارد.

### مبارزه

مبارزه دعوا بین دو نفر یا گروه است.  
دو رزمنده در مبارزه گیر افتادند.

### عادی

اگر چیزی معمول باشد، آن عادی است.  
هیچ چیز عادی در مورد نحوه لباس های موریس وجود ندارد.

### اردوگاه

یک اردوگاه یک منطقه محصور مانند یک زندان یا کارخانه است.  
کارگران خارج از اردوگاه صبر کردند تا درهای اردوگاه به رویشان باز شود.

### سپاه

سپاه پاسداران یک نیروی نظامی است.  
ارتش دارای یک سپاه از تیراندازان بود که جدا از سربازان عادی آموزش دیده بودند.

### منحرف کردن

منحرف کردن کسی بدان معنی است که آنها را از تمرکز بر چیزی متوقف کنید.  
تماس تلفنی حواس او را پرت کرد طوری که او همه چیز را در مورد تکالیف خود فراموش کرد.

### گنگ

اگر کسی گنگ باشد، آنها قادر به صحبت نیستند.

او راز را به اشتراک نگذاشت. او سکوت کرد، به طوری که او گنگ بود.

دشمن

دشمن حریف است.

سخت بود باور کرد که هر کسی می تواند دشمن او باشد.

تکه تکه کردن

تکه تکه کردن چیزی به معنی برش آن به قطعات ناهموار است.

عمومی من از تبر استفاده کرد تا درخت را به بسیاری از قطعات تکه تکه کند.

تفکر کردن

مدیتیشن به معنی تمرکز و یا فکر عمیق در سکوت است.

او دوست داشت چند ساعت از هر روز را فکر کند.

بریدن

بریدن کسی به معنای آن است که آنها را کمی با یک شیء تیز برش دهید.

در حین برش هویج، آشپز انگشت خود را با لبه چاقو برید.

تحریک کردن

تحریک کسی به معنای آن است که آنها را به طور هدفمند برای ایجاد خشونت عصبانی کنید.

پسر بزرگ تر پل را از طریق صدا زدنش با استمی پست تحریک کرد.

قلمرو

یک قلمرو هر منطقه از فعالیت یا علاقه است.

او در قلمرو کسب و کار بسیار فعال نبود.

دوده سلطنت

دوده سلطنت دوره زمانی است که در آن یک حاکم حکم میکند.

حکومت امپراتور تنها دو سال طول کشید.

زنگ

زنگ یک پوشش قرمز و قهوه ای بر روی اشیاء آهن ناشی از آب و هوا است.

دروازه فلزی قدیمی نوسان نمی کند، زیرا لولا در زنگ پوشیده شده بودند.

مقدس

اگر چیزی مقدس باشد، آن را پرستش و احترام می کنند.

یک مذهب در هند به گاوها آسیب نمی رساند، زیرا معتقد است که آنها مقدس هستند.

تصمیم سرباز

یک سرباز در حالی که در سرزمین پادشاه دشمن مبارزه کرد، دستگیر شد. به خوبی شناخته شده بود که این پادشاه اسیران

را با یکدیگر به مبارزه وادار می کند. این در طول سلطنت او رایج بود. برای این دعوا، پادشاه چندین عرصه بزرگ ساخته

بود. او اغلب برندگان را با آزاد کردن یا حتی پیوستن آنها به سپاه ارتش نخبه خود پاداش میداد.

سرباز با وجود اینکه خشونت زیاد دیده بود این تصمیم را گرفت. او اکنون احساس کرد که تمام زندگی مقدس بود. شب

قبل از اولین مسابقه او، او تصمیم خطرناکی گرفت. او تصمیم گرفت که او در مبارزه شرکت نکند. او می دانست که ممکن

است هرگز آزاد نشود، اما این تصمیم بود که او مایل به پذیرش بود.

صبح، او از اردوگاه زندانیان به یکی از عرصه های پادشاه راهی شد. بین او و کف سالن یک در زنگ زده وجود داشت. او نگران بود، اما او می دانست آنچه را که باید انجام دهد.

هنگامی که دروازه باز شد، او به آرامی به مرکز عرصه رفت و نشست. او شروع به تفکر کرد. دشمن او داریوش، که در قلمرو مبارزه با شمشیر ماهر بود، و به طور معمول بسیار تهاجمی نبود، به سرباز آرام حمله نکرد تا زمانی که آن سرباز آرام برای اولین بار به داریوش حمله کرد.

داریوش سعی بر تحریک کردن او از طریق ضربه زدن شمشیرش در هوا در نزدیکی سر او داشت، اما سرباز حواسش پرت نشد او بی سر و صدا نشسته بود، مثل اینکه او گنگ بود، و به آرامی در آسمان نگاه کرد. حتی زمانی که داریوش با لبه شمشیر خود خراشی را بر گونه او بو جود آورد، سرباز حرکت نکرد.

در نهایت او شمشیر و سپر خود را انداخت و رها کرد. "من نمی توانم با کسی مبارزه کنم که حاضر به مبارزه با من نیست!" داریوش به پادشاه فریاد زد.

پادشاه بسیار تحت تاثیر سرباز قرار گرفت. هرگز در هیچ جنگی کسی را به این شجاعت ندیده بود. در نتیجه، او به سرباز صلح جو عفو داد. اقدامات سرباز به پادشاه و همه در عرصه ثابت کرد که صلح قوی تر از جنگ است.